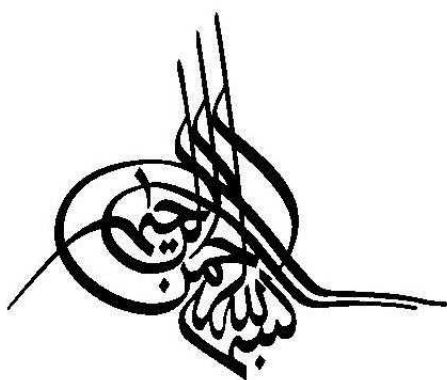




انجمن های زنان در عصر مشروطه

تهمینه طالبی

سرشناسه: طالبی، تهمینه، ۱۳۶۱.

عنوان و نام پدیدآور: انجمن‌های زنان در عصر مشروطه / تهمینه طالبی.

مشخصات نشر: خرم‌آباد: اردی بهشت جانان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۹۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۲-۳۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ایران- تاریخ- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. - زنان.

موضوع: جنبش‌های اجتماعی- ایران.

social movements- Iran موضوع:

Iran- History- Constitutional Revolution, ۱۹۰۶- ۱۹۰۹- Women موضوع:

موضوع: تاریخ- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق. - انجمن‌ها و کمیته‌ها.

Iran- History- Constitutional Revolution, ۱۹۰۶- ۱۹۰۹- Societies موضوع:

رده بندی کنگ: ۱۲۹۶ الف ۲ ط/۵/ ۱۴۲۲ DSR

رده بندی دیویر: ۹۵۸/۰۷۵ ۱۲

شماره کتابشناسی: ۴۷۵۸۱۰

شماره ثبت مجوز: ۸۵، ۲۰



انجمن‌های زنان در عصر مشروطه / تهمینه طالبی

ناشر: اردی بهشت جانان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

مدیر فنی: الهام رضایی

لیتوگرافی - چاپ: مدیران

امور رایانه: زینب بهنام

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۲-۳۸-۸

نشانی انتشارات: خرم‌آباد - خیابان انقلاب - ابتدای خیابان ناصر خسرو - تلفکس ۳۳۲۳۵۵۳۴ - ۰۶۶ - کد پستی

۶۸۱۹۸۱۳۵۵۴ - همراه: ۰۹۱۶۸۵۰۷۶۵۲

E-mail: ordibeheshtjanan@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۳
تحقیقات داخلی	۱۴
تحقیقات خارجی	۱۶
پشتوانه‌های مفهومی و تئوریک	۱۸
بخش اول	
تعریف جنبش اجتماعی	۲۰
چیستی جنبش‌های اجتماعی	۲۱
ساختار و استراتژی: اهداف جنبش و شکل سازمانی	۲۳
مدرنیزاسیون و شکل سازمانی	۲۴
ساختار سازمانهای و منابع نهادی	۲۶
ساختار سازمانی و وجود متحدان	۲۷
کارآمدی و مشکلات سازمانی جنبش اجتماعی	۲۷
استراتژی رایج و جنبش‌های اجتماعی	۲۹
انواع جنبش‌های اجتماعی	۳۰
اهمیت رهبری کارآمد	۳۱
مراحل جنبش‌های اجتماعی	۳۱
نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی	۳۱
نظریه‌پردازان مطرح در رویکرد رفتار جمعی	۳۲
نظریه‌پردازان مطرح در رویکرد نهادی	۳۷
نظریه‌پردازان مطرح در رویکرد جامعه مدنی	۴۱

بخش دوم

- ۴۶ ----- تعریف فمینیسم
- ۴۷ ----- نظریه‌های فمینیستی در دوران معاصر
- ۴۷ ----- نظریه‌های تفاوت‌های جنسی
- ۴۸ ----- تبیین‌های زیست‌شناختی تفاوت‌های جنسی
- ۴۹ ----- تبیین‌های نهادی تفاوت‌های جنسی
- ۵۰ ----- نظریه‌های روان‌شناختی - اجتماعی جنسیت
- ۵۰ ----- نظریه‌های نابرابری جنسی
- ۵۱ ----- فمینیسم لیبرالی
- ۵۳ ----- فمینیسم مارکسیستی
- ۵۴ ----- نظریه‌های ستمگری جنسی
- ۵۴ ----- نظریه‌های فمینیستی و آن‌کاوانه
- ۵۷ ----- فمینیسم رادیکال
- ۵۹ ----- فمینیسم سوسیالیست

بخش سوم

- ۶۲ ----- تعریف انجمن
- ۶۳ ----- انجمن زنان
- ۶۳ ----- گفتار تجدد و زمینه‌سازی فکری برای انجمن‌ها
- ۶۵ ----- نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تاثیر آن بر موقعیت زنان
- ۶۷ ----- تشکیل انجمن‌های زنان

بخش چهارم

- ۷۷ ----- چارچوب نظری
- ۷۷ ----- بررسی اندیشه‌های یورگن هابرماس
- ۷۸ ----- نظریه انتقادی و جامعه‌شناسی تلفیقی هابرماس
- ۷۸ ----- عقلانیت و کنش از نظر هابرماس
- ۷۹ ----- هابرماس و اقتصاد معاصر
- ۸۰ ----- هابرماس و سرمایه‌داری معاصر
- ۸۱ ----- بحران‌های چهارگانه
- ۸۳ ----- مفهوم حوزه‌ی عمومی
- ۸۴ ----- دموکراسی و حوزه‌ی عمومی
- ۸۶ ----- سرنوشت حوزه‌ی عمومی در سرمایه‌داری واپسین
- ۸۷ ----- استعمار حوزه‌ی زندگی و جنبش‌های جدید اجتماعی

بخش پنجم

- ۹۰ زنان در عرصه‌ی دوره‌ی مشروطه
- ۹۱ زن در خانواده‌ی دوره‌ی قاجار
- ۹۱ ازدواج و طلاق
- ۹۳ وظایف زن در خانه
- ۹۴ زنان و فعالیت‌های اقتصادی
- ۹۵ نقش زنان در تولید اقتصادی
- ۹۵ زنان و مشاغل غیر تولیدی
- ۹۸ زن در جامعه
- ۹۸ تفريحات و مشغله‌های بیرون از خانه
- ۹۹ نقش ناامنی در حیات اجتماعی زنان
- ۱۰۱ حیثیت اجتماعی زنان
- ۱۰۵ فعالیت‌های فرهنگی زنان
- ۱۰۵ زن و آموزش
- ۱۰۷ مدارس جدید مسئله‌ی آموزش دختران
- ۱۰۹ شعرسرایي و ديگر فعاليت‌های هنري
- ۱۱۲ جنبش‌های زنان در آستانه‌ی دوره‌ی مشروطه
- ۱۱۲ جنبش بابيه و نقش زنان در آن
- ۱۱۵ جنبش تنباکو و نقش زنان در آن
- ۱۱۷ مسئله نان
- ۱۲۱ از اعتراض تا انقلاب مشروطه
- ۱۲۳ انقلاب (خرداد ۱۲۸۴ - مرداد ۱۲۸۵)
- ۱۲۷ دوره‌ی مشروطه
- ۱۲۹ زنان و عصر مشروطيت
- ۱۳۶ گاه شماری جنبش زنان در انقلاب مشروطه

بخش ششم

- ۱۴۰ انجمن‌های زنان در عصر مشروطه
- ۱۴۱ انجمن‌های آزاد در دوران مشروطه
- ۱۴۲ پیدایی و ساختار و تشکیلات انجمن‌ها
- ۱۴۳ تشکیلات و ساختار درون گروهی انجمن‌ها
- ۱۴۹ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی انجمن‌های زنان
- ۱۴۹ نقش زنان در دفاع از ملی‌گرایی

- ۱۵۶ ————— تلاش انجمن‌های زنان برای تأسیس مدارس
- ۱۶۲ ————— لزوم تربیت نسوان
- ۱۶۵ ————— تلاش برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی
- ۱۷۰ ————— نسوان و عضویت حاکم
- ۱۷۰ ————— بی‌غیرت‌ترین ناس
- ۱۷۴ ————— تلاش زنان برای دستیابی به حقوق فردی
- ۱۷۶ ————— شرکت بیمه‌ی طلاق
- ۱۸۷ ————— منابع و مأخذ

پیش گفتار

زنان ایران از ۱۹۰۷ به بعد با یک جهش مرقی‌ترین (اگر نه رادیکال‌ترین) زنان جهان اگر این سخن تصورات صدها ساله را دگرگون می‌سازد، چه باک زیرا حقیقت محض است.

«مورگان شوستر»

ایران در دور، قاجار، گرفتار نظام استبدادی و ارباب رعیتی بود. در این دوره شاه تنها مقام تصمیم گیرنده و متدبر کشور بود که مالکیت جان و مال مردم را به دست داشت و تمام امور قوای سه‌گانه نصابی، اجرا و قانون‌گذاری تحت نظر او بودند و مردم هیچ نقشی در مشارکت سیاسی امور کشور نداشتند. با وجود آمدن جنگ‌ها و مناقشات متعدد و اتفاقاتی که در پیگیری‌های ایران و روس رخ داد، فرادهای آزادی خواهانه مردم بلند شد. و به ایجاد حس مبارزه و تلاش برای تغییر در وضعیت استبدادی منجر شد. در این میان زنان در حداقل‌ترین شرایط به سر می‌برند.

زنان در این دوره، ناآگاه و معتقد به افسانه‌ها و محروم از جایگاه اجتماعی بودند. نگرش زنان به وضعیت خویش پذیرش سرنوشت و تسلیم بود به سرنوشت. زنان از کوچکی ساکت نشستن و تحرک کم، سوال نکردن و اطاعت کردن از مردان را آموزش داده شد. این الگوی جامعه‌پذیری تا دوره‌های بعد نیز ادامه یافت (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۳۰).

با توجه به تفاوت‌های جنسیتی عمیقی که بین زن و مرد وجود داشت، محدودیت‌های فراوانی بر سر راه زنان قرار می‌گرفت و باعث شکاف عظیمی بین زنان و اجتماع می‌گشت.

اگرچه براساس منابع تاریخی که در دست است زنان هر زمان فرصی برای فعالیت می‌یافتند از آن بهره می‌جستند تا بتوانند حضور خود را در کنار مردان نشان دهند. برخی از رشته‌های تاریخی دوران قاجار از نفوذ زنان در دربار و حرمسرای شاه حکایت می‌کند که چگونه برخی از زنان ایشان نقش حسلس و قابل توجهی بر شخص داشتند و در تصمیم‌گیریهای مهم مملکتی دخالت مستقیم می‌کردند بخصوص در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه نقش مادر و همسران وی در سیاست‌گذاریهای کشور به وضوح، دیده می‌شود در هر صورت به جز اندکی که از زنان که در طبقه مرفه و روشنفکر بودند و در خارج از کشور به تحصیل می‌پرداختند، اکثر زنان از تحصیل و سوادآموزی محروم بودند و مجبور به تن دادن به ازدواج‌های اجباری و بچه‌داری بودند. پذیرش نقش اقتدارانه مردانه و فرهنگ مردسالاری تصویر ضعیفی از زن در جامعه باقی گذاشته بود.

با طلوع انقلاب مشروطه و تحولات سیاسی که در این جریان رخ داد، زنان توانستند در بیرون از خانه حضور پیدا کنند و نیروی عظیم خود را در تغییر و پیشرفت اجتماعی به کار اندازند. این انقلاب باعث شد زنان از خاموشی و حصار تاریکی که سالیان دراز در آن به سر می‌بردند بیرون بیایند و خستگی در قید و بند بودن مردانی که تنها به آرامش و خواسته‌های خود فکر می‌کردند از تن درآوردند. زنان همپای مردان برای دفاع از ملی‌گرایی و دگرگون سازی کشور قدم برداشتند و برای اولین بار به صورت مستقیم و منسجم دست به فعالیتهای سیاسی زدند تلاش آنها در ابتدا برای استقلال کشور و مبارزه استبداد بود اما بتدریج زنان در این جریان نسبت به خواسته‌هایشان آگاه شدند و به تغییر وضعیت در موقعیت فرودست خویش نمودند. شور زندگی خواهی و رهایی از دشواری‌ها و محدودیت‌های گوناگون سر تا پای وجود آنان را فرا گرفته بود. هدف زنان رفع تبعیض‌های جنسیتی، رده که از گذشته تاکنون در عرصه‌ی اجتماعی، حضور زنان را نادیده گرفته بود. آنان علیرغم مخالفت‌های جامعه سنتی آن روز از هیچ کوشش برای رسیدن به آرمان‌هایشان دریغ نکردند و برای گسترش دامنه فعالیت‌هایشان انجمن‌ها و سازمان‌های مخفی ایجاد کردند با تشکیل این انجمن‌ها برنامه‌هایشان را دنبال کردند. در واقع آنان برای دستیابی به خواسته‌هایی که تاکنون از زنان دریغ شده بود، نهادهای گردهمایی‌ها و تشکیل جلسات متعدد داشتند تا بتوانند راه‌حلهایی برای تغییر وضعیتشان بیابند. از منظر زنان عصر مشروطیت، آموزش دختران ایرانی ضرورت داشت زیرا تعمیم سواد و ایجاد مهارت‌های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب درآمد، به استقلال زن می‌انجامید و او را از وابستگی به مرد می‌رهاند. پس شگفت نیست که می‌بینیم زنان در مدت کوتاهی انجمن تأسیس کردند و به انتشار نشریه پرداختند و پول گرد آوردند. در طی یک سال، بیش از شصت مدرسه دخترانه افتتاح کردند و به آموزش وسیع زنان همت گمارند. علاوه بر این زنان به منظور احقاق حق رأی که یکی از حقوق مسلم زندگی مدنی به شمار می‌آمد، مبارزه کردند (آقاری، ۱۳۷۶: ۵-۶).

آنان با انتشار نشریات خویش، با تمام توانایی‌شان به چاپ مقالات متعدد در خصوص مشکلات زنان و حقوق‌شان می‌پرداختند. در پرتو این تلاش‌ها راه ترقی در ایران هموار شد. به طوری که می‌توان گفت زنان امروز به اقتضای مادران پیشتاز خود قدم برمی‌دارند و دستاوردهای پرجای را نصیب خود می‌سازند. بدون تردید به هم آمدن زنان در قالب انجمن‌ها مشکلات مردمی که از صدر مشروطه تا به اکنون دوام داشته است می‌تواند در تشکیل جامعه مدنی مؤثر افتد و حصول را امکان‌پذیر گرداند (همان: ۶).

در این کتاب به تحلیل جامعه‌شناختی انجمن‌های زنان در عصر مشروطه پرداخته خواهد شد. با توجه به نقشی که این انجمن‌ها در آگاه‌سازی و روشن نمودن افکار زنان در جامعه داشتند به نظر می‌رسد

شناخت و فهم اینکه این انجمن‌ها به چه صورت تشکیل شده‌اند و براساس چه معیارهایی خواسته‌هایشان را دنبال کردند، ملزوم می‌باشد.

دوران مشروطه سرآغاز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان در صحنه‌ی اجتماع بود که زنان در آن به شکلی نوین حضور داشته‌اند. بر اثر باز شدن فضای سیاسی آن دوران زنان از معترض خاموش به فریادگری حق طلب تبدیل شدند که بی‌توجه به مخالفت‌های مردان و باورهای سنتی اقدام در جهت فعالیت‌های خویش کردند.

در آن هنگام زنان به خوبی دریافته بودند که برای وصول به آرمان‌های والای خویش نخست باید بنیاد خودکامگی را برافکنند و آنگاه به استقرار حکومت قانون دست زنند زیرا در پرتو آرامش و امنیت که محصور در قانون است، آگاهی علمی و فنی دست می‌دهد و جامعه تسلط خود را بر محیط اعمال می‌کنند. از این رو زنان در جریان انقلاب مشروطیت با جسارت بسیار پیش تاختند و به پیروزی آن اقدام رسانیدند چنان که لباس رزم پوشیدند و حتی بدون آنکه مردان مجاهد و فرماندهان ایشان آگاه شوند جنگیدند و نقد زندگی خویش را نیز در این راه درباختند (آقاری، ۱۳۷۶: ۵).

بعد از به ثمر رسیدن انقلاب مشروطه، فعالیت‌های زنان برای دفاع از ملی‌گرایی و مبارزه با استبداد از سوی مقامات دولتی و مردان نادیده گرفته شد و هیچ‌گونه تلاشی از سوی آنان برای دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی زنان صورت نگرفت. همین مسئله باعث شد که زنان به صورت جدی‌تری پاگیر خواسته‌های خود شوند و از این راه هر هیچ کوششی دریغ نکردند به همین خاطر به صورت گسترده‌تری به تشکیل انجمن‌های نیمه مخفی پرداختند.

هدف آنان از تشکیل این انجمن‌ها، تا قبل از تشکیل اولین مجلس شورای ملی، خروج بیگانگان از کشور و مبارزه با استبداد بود. اما با تشکیل مجلس، زنان مانند همیشه از صحنه‌ی اجتماع کنار گذاشته شدند. تلاش آنان در این راه به عنوان حس وطن پرستی در نظر گرفته شد. این مسئله برای زنان رنج‌آور بود. علیرغم تمام مخالفت‌ها و مزاحمت‌هایی که در سر راه ایشان قرار داشت، آنان خود به اعتراض از وضع موجود برخاستند و همان طور که گفته شد یکی از بارزترین اشکال مشارکت کمابیش سازمان یافته‌ی آنان در قالب تشکیل انجمن‌ها بود. زنان برای رفع تبعیض‌های موجود و دفاع از حقوق‌شان نیاز به گردهمایی داشتند. آنان با تشکیل این انجمن‌ها که غالباً به صورت مخفی یا نیمه مخفی به دور از چشم مخالفان صورت می‌گرفت، دست به اقدامات لازم برای رسیدن به خواسته‌هایشان زدند. آنان با انتشار نشریات خویش و چاپ مقالات‌شان در دیگر روزنامه‌های وقت آن دوران که مشروطه‌خواه بودند تلاش خود را برای احقاق حقوق‌شان نمودند. در این پژوهش سعی بر تحلیل جامعه‌شناختی این انجمن‌هاست. انجمن‌ها به صورت

گروه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که روابط درون گروهی آنان چگونگی برقراری ارتباط آنها با هم، آرمان‌ها و اهدافی که اساس تشکیل این انجمن‌ها را می‌دهند، مورد تحلیل قرار خواهند کرد همچنین با توجه به شرایط موجود آن دوران زنان عضو این انجمن‌ها چه خاستگاه اجتماعی داشته‌اند؟ از طرف دیگر روابط دو سویه این انجمن‌ها با ساختار اجتماعی به چه شکل بوده است؟ ارتباط این انجمن‌ها با جریان مشروطه چگونه بوده است؟ و فعالیت و روابط آنان با تشکیلات سیاسی آن دوره همچون مجلس شورای ملی، روشنفکران، و دیگر انجمن‌ها به چه نحوی صورت گرفته است؟ موارد مذکور در این پژوهش مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

هدف از این نگارش، روشن نمودن بخشی از تاریخ جامعه‌ی معاصران ایران است با توجه به جو حاکم آن دوره و محدودیت‌هایی که پیش روی زنان قرار داشت، آنان نمی‌توانستند مشارکت و حضوری فعال در اجتماع داشته باشند. با شروع انقلاب مشروطه و باز شدن فضای آن دوره زنان پا به پای مردان تافتند از چارچوب خانگی خویش بیرون بیایند و برای خروج بیگانگان از کشور و مبارزه با استبداد به سرزده پیردازند. همزمان با این جریانات سیاسی زنان فرصت یافتند تا برای دفاع از حقوق خویش اقدام نمایند. به همین دلیل آنان با تشکیل انجمن‌های زنان برای محقق شدن آرمان‌هایشان تلاش کردند. بررسی ساختار درون گروهی انجمن‌ها، میزان انسجام و یکپارچگی آنان و تأثیر آن بر تدارک ایر انجمن‌ها، همچنین نوع انجمن‌ها با توجه به فعالیت‌شان و ارتباطی که این انجمن‌ها با زانان برجسته گروه داشته و نقش شورای ملی در حمایت از این انجمن‌ها از اهداف نگارش این کتاب می‌باشد.

انقلاب مشروطه بی‌شک یکی از مهمترین اتفاقات تاریخ ایران است که در تمام زمینه‌های فکری و اجتماعی باعث ایجاد تحول و دگرگونی در این دوره شد. حوزه‌های قدیمی چون فرهنگ و سنت ایرانیان که سالهای طولانی گرد و غبار کهنگی بر روی آن نشسته بود به لرزه درآمد و نسیم تازه‌ی مشروطه به آن روح دمید. یکی از تغییرات به وجود آمده تغییر در وضعیت فردوست زنان بود که در سایه‌ی تلاش‌های بی‌دریغ خویش توانستند ثمره‌ی فعالیت‌شان را دریافت کنند انقلاب مشروطه تأثیرات شگرفی به حیات اجتماعی زنان گذاشت.

زن دوره قاجار چهره‌ای از یک زن مظلوم و صبور، ناگاه و خرافی بود که جز در موارد استثنایی و با توجه به پایگاه اجتماعی برخی از زنان قوی و حاکم بودند. زن ایرانی هرچه قدر به اواخر سلطنت دوره‌ی قاجار نزدیک‌تر می‌شد به دلایل مختلف اقتصادی سیاسی و اجتماعی از آگاهی و اعتراض برخوردار شد و همین آگاهی باعث شد که زنان به دور از مخالفت‌های مردان دست به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بزنند.

انجمن‌های زنان شاید یکی از مهمترین راه‌هایی بود که زنان با تأسیس آن توانستند به یک سری از انتظارات خویش دست یابند چون زنان تا قبل از مشروطه به صورت مستقیم و غیرمستقیم فعالیت اجتماعی چندانی نداشتند به همین دلیل به جز تن دادن به کارها و خواسته‌هایی که خودشان آگاهانه یا ناآگاهانه به انجام دادن آن مجبور بودند آنان را از فکر یک کنش جمعی دور رانده بود. ایجاد انجمن‌ها باعث فصل جدیدی برای دوره‌هم جمع شدن آنان اما به نوعی متفاوت از دوره‌هم جمع شدن‌های گذشته شد آنان با شیوه‌های مبارزاتی که برگزیده بودند همچون، اعتراضات، سخنرانیهای گوناگون و انتشار مقالات تند و تیز خویش علیه تبعیض جنسیتی و فرهنگ مرد سالاری مبارزه کردند و با تأسیس مدارس دخترانه در جهت تعلیم و تربیت آنان علیرغم مخالفت‌های نیروهای سنتی اهدافشان را گسترش دادند. به همین دلیل با توجه به شروع چنین فعالیتهای یکپارچهای که صورت گرفته و نقش مؤثری که این انجمن‌ها در به انجام رساندن اهداف خود داشته‌اند، ضروری است که به بررسی و تحلیل این گروه اجتماعی، روابط درون گروهی آنان و ارتباطشان با ساختارهای اجتماعی پرداخته شود.